

اسلام پڑوسی - ۹

نویسنده

محمد ارکون

ترجمہی

رحیم حمداوی

تاریخچندی اندیشہ اسلامی

کتابساز
نشر نگاه معاصر

فهرست مطالب

۷	سخن مترجم فارسی.....
۱۵	درآمدی بر ترجمه عربی: اشاره و نکات.....
۲۷	مقدمه: چگونه اندیشه اسلامی را بررسی نماییم؟.....
۷۹	فصل اول: درباره انسانشناسی دینی (۱)، گامی به سوی اسلام‌شناسی تطبیقی (۲).....
۱۰۱	فصل دوم: مفهوم عقل اسلامی.....
۱۶۳	فصل سوم: نشانه‌های آگاهی اسلامی.....

سخن مترجم فارسی

نوشتن مقدمه‌ای درباره‌ی اندیشمندان از مشکل‌ترین کارهای نویسنده یا مترجم است، اغراق نیست اگر بگویم که این کار سخت‌تر از ترجمه یک متن است، به ویژه آنکه سخن در اینجا درباره روشنفکری است که بیش از نصف زندگی پربارش را صرف پژوهش و تحقیق نمود و در این راه حد و مرزی برای این کار نمی‌شناخت. وارد تمام حوزه‌ها شد، اندیشه‌ناپذیر و نااندیشیده. اسلام‌شناسی تطبیقی را وارد عرصه پژوهش کرد، کلیات آن را شناساند و آن را به عنوان راهی برای برون‌رفت از دید سنتی به اسلام که در غرب باعث تحقیر و به هیچ انگاشتن مسلمانان می‌شود و در سرزمین‌های اسلامی باعث رواج ارتجاع‌گرایی می‌شود، قلمداد کرد.

آری! سخن در اینجا درباره یک نویسنده معمولی نیست که با ذکر زندگینامه او در چند سطر که با زادروزش آغاز و با پایان زندگی‌اش به سرانجام رسد. سخن درباره شخصیتی است دارای ابعاد جهانی.

سخن درباره محمد ارکون است. روشنفکر عرب‌تبار الجزایری که در میان روشنفکران مسلمانان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. او عقب‌ماندگی مسلمانان را با تمام وجود احساس کرد، با آن زیست و برای برون‌رفت از آن به دنبال راه چاره بود. عمر خود را صرف تحقیق و تفحص درباره پروژه فکری خود کرد. پروژه‌ای فکری، که نامش را نقد عقل اسلامی گذاشت و برآن بود که خوانشی ناهمسان و گوناگون از خوانشی که از متون دینی و سنت اسلامی رایج است، را رو نماید. از یاد نبریم که زندگی در اروپا گستره را برایش گشود تا آزادانه قلم‌فرسایی کند. او در آنجا به نقد و بررسی متون دینی دست زد؛ بدون آنکه دغدغه‌ی فتواهایی که خونس را مباح کنند؛ ذهنش را آشفته سازد. گفتن ندارد که روشنفکر مسلمان برای دست‌یازیدن به پروژه‌های سترگی همچون پروژه ارکون باید دست به مهاجرت بزند؛ مهاجرت مکانی و سکنی‌گزیدن در غرب، و مهاجرت زبانی و نوشتن به زبان دیگر. که سرنوشت نصر حامد ابو‌زید گواه روشنی بر سخنانم است. زیرا ایشان می‌خواست در سرزمین مادری خود بماند و به زبان مادری خود بنویسد. اما آیا زادگاهش همچون زبان‌شناسی توانایی درک اصطلاحات نوین علوم انسانی و

اجتماعی را داشت، بدون آنکه صدای کسی به نشانه اعتراض بلند شود، اعتراضی بود که تنها به دلیل عدم درک و فهم آنچه بر زبان راند، اگر نگوئیم معترضان خود هرگز متن او را نخواندند...

محمد ارکون در سال ۱۹۲۸ در روستای تایروت میمون در منطقه قبایل بزرگ آمازیغی در الجزایر دیده به جهان گشود. بعدها خانواده‌اش به عین‌الاربعاء مهاجرت کردند و او مرحله ابتدایی را در آنجا گذراند، سپس دوره دبیرستان را در شهر وهران خواند و تحصیلات خود را ابتدا در دانشکده فلسفه در الجزایر و در نهایت در دانشگاه سوربن پاریس مشغول به تحصیل و تدریس شد.

از این رو، ارکون دارای فرهنگی چندگانه بود، زبان عربی و فرانسوی و انگلیسی و آمازیغی را می‌دانست و به همه آن‌ها تکلم می‌کرد. همین ساختار شخصیت پربار او بود که باعث شد روند تفکر و اندیشه فلسفی و نیز اندیشه دینی که در دوسوی دریای مدیترانه پا به عرصه هستی نهادند، را کاملاً دریابد. به همین دلیل است که او را نمی‌توان شرق‌شناس یا عرب یا مسلمان محض دانست، او همه ویژگی‌های فرهنگ‌های مذکور را در خود جمع کرد که این عامل، شخصیت جهانی و انسانی او را بسیار پربار کرد.

روش‌شناسی ارکون

روش محمد ارکون پایه اصلی پروژه نقدی او را پیکرده می‌کند، به نحوی که امکان جدایی روش او از اهداف مطلوبش وجود ندارد؛ سکنی گزیدن در غرب به آشنایی و بهره بردن از پیشرفت‌های علمی که دانشمندان در بررسی چندجانبه تاریخ به آن رسیدند، منجر شد. کما اینکه زندگی در محیطی سکولار از سال ۱۹۶۱ هم اینکه او را از تکفیر و طرد و اتهامات پوچ به دور ساخت و هم به او امکان داد که موضع‌گیری مسئولانه‌ای در مقابل مشکل شناخت و آزادی معرفت، اتخاذ کند. نوشته‌های ارکون از روش‌های ویژه دانش مدرن، تاریخ، روان‌شناسی اجتماعی و تاریخی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سایر علوم اجتماعی و انسانی سرشار است. این عامل درک اندیشه ارکون را سخت گردانیده است. مشکل فهم آثار ارکون به علت وفور اصطلاحات مدرن علوم انسانی و اجتماعی به کاررفته در کتاب‌هایش است، کما اینکه به کارگیری مفاهیم و مقولات تازه و به ویژه روش‌هایی که در پیگیری موضوعات دنبال می‌کند، پیچیدگی آن‌ها را دوچندان کرده است. هاشم صالح در جایی می‌گوید: اگر خواننده با دو کتاب کلمات و اشیا و دیرینه‌شناسی معرفت «میشل فوکو» آشنا نباشد، نمی‌تواند به درک اندیشه ارکون نائل آید. اما خود ادامه می‌دهد که اگر خواننده از همه آثار فوکو آگاه باشد، باز هم نخواهد توانست اندیشه ارکون را دریابد. در چنین حالتی او باید بر دامنه حساسیت معرفت‌شناسی خود بیفزاید و از یافته‌های مهم زبان‌شناسی، تاریخ‌نویسی نو (مکتب آنال فرانسه) انسان‌شناسی دینی و علم ادیان تطبیقی بهره ببرد، مفهوم این سخن این است که خواننده باید با کل علوم انسانی که غرب زادگاه آن بود و هویت آن را تشکیل می‌دهد، آشنا باشد. به همین دلیل صالح بر این باور است که تا وقتی کتابخانه کاملی از منابع

اروپایی مربوط به اندیشه یعنی کتابخانه علوم انسانی و اجتماعی به خواننده عرب منتقل نشود، او نمی‌تواند آثار ارکون را دریابد.

از جهتی دیگر خوانش اندیشه اسلامی به آسانی تحقق نمی‌پذیرد و با موانع فراوانی همراه است، ارکون در مقدمه کتاب گامی به سوی نقد عقل دینی به سختی‌هایی که خوانش اندیشه اسلامی با آن روبرو است؛ اشاره می‌کند؛ و می‌گوید: این سختی‌ها در آزادی عقل انتقادی از بندهای ایستمه و معرفت‌شناسی که عقل جزم‌اندیش بر تمام فعالیت‌های فکری و فرهنگی تحمیل نمود؛ خود را نشان می‌دهد. فعالیت‌هایی که اندیشه انسانی در فرایند گذار از مرحله بدائیت (به گفته اشتراوس) به مرحله کشاورزی شهرنشینی آن‌ها را وارد تاریخ نمود.

نقطه عزیمت ارکون در فرایند خوانش متن دینی و سنت اسلامی آزادی عقل انتقادی است و روشی را در خوانش برمی‌گزیند که بر پایه پیوند دادن نوشته‌ها و متون با مرحله‌ای است که در آن وارد صحنه روزگار شدند؛ تا سرشت نیروهای اجتماعی حاکم و جنبش‌های فکری شکل گرفته در آن مرحله را بشناسد. (تاریخ‌مندی) در اندیشه ارکون شرط نقد عقل اسلامی به کارگیری این روش تاریخی است که بایست تمام داده‌های تاریخی و اکاوی شوند. اهمیت پروژه ارکون که بر پایه فرایند نقد شامل متون دینی، سنت و کنش‌هایی که برآیند آن است، خود را در اندیشه و فتوایی نشان می‌دهد که به هر چیزی در زندگی مسلمان عادی قداست می‌بخشد و به ویژه به امور مادی که دنیوی محض هستند، صبغه دینی می‌دهد؛ به نحوی که نقد آن‌ها توهین به دین و پیکار با آن قلمداد می‌شود. در این زمینه ارکون بر آن است که فرایند زدودن قداست از آنچه مقدس نیست، بزرگ‌ترین فرایند آزادسازی عقل مسلمان در زمانه کنونی است؛ هدف این اقدامات تحقق دو نتیجه است:

۱. آشتی انسان با خود.

۲. آشتی انسان با روزگاری که در آن می‌زید.

از این دیدگاه، ارکون انگاره ابدیت و ازلیت عقل اسلامی را رد می‌کند و برخلاف آن عقیده دارد که این عقل و متون پایه گذار آن و دگرگونی و تحول قانون‌گذاری و اجتهادهای نشأت گرفته از آن؛ عقلی است که آغازی دارد و پایانی. خلاصه آنکه عقل اسلامی عقلی است که در تاریخ شکل گرفته است.

ارکون بر اتخاذ رویکردی پافشاری می‌کند که پژوهشگر سنت اسلامی باید در پیش گیرد؛ و آن عبارت است از اینکه نباید او به گردآوری دانستنی‌ها و رخدادها بسنده نماید، بلکه و افزون بر آن پژوهشگر باید در فرایند تفکیک پا نهد، تا نتایج مطلوب را استخراج کند؛ تنها تفکیک پدیده اسلامی از راه تطبیق خوانش تاریخی بر آن، می‌تواند چارچوب عملی برای ریشه‌یابی، موشکافی و تأویل انواع گفتمان‌های اسلامی معاصر در تمام سطوحش را فراروی دیدمان نهد. همچنین این امر در مواجهه با اندیشه اصولگرایی که بر جوامع عربی اسلامی سیطره دارد، عامل بسیار مهمی به شمار می‌آید. غلبه جزم‌اندیشی بر عقل اسلامی که از گفتمان اصولگرایی مطلق تغذیه می‌کند، ناشی از عدم نقد و تفکیک